

جدایی بحرین از ایران

کتابی دستنوشته در انتظار ناشری عاشق فرهنگ تاریخی ایران، تألیف احمد اقتداری حدود دویست صفحه.

«شاهنشاه فرمودند، مسئله بحرین دارد حل می‌شود و بعد با کمال آقائی و بزرگواری فرمودند، حالا که من و تو هستیم، آیا فکر می‌کنی، در آینده ما را خائن خواهند گفت، یا خواهند گفت کار بزرگی انجام دادیم و این منطقه را از شر کشمکش بیهوده نجات دادیم؟...»

یادداشت روز ۴۸/۱۱/۱۹ یادداشت‌ها (خاطرات) علم
به نقل مجله بخارا، شماره ۶۶

«... فرمودند... امریکایی‌ها باید از خدا بخواهند که ما قدرت خارجی را در خلیج فارس راه ندهیم.»

یادداشت روز ۴۸/۱/۱۶ یادداشت‌ها (خاطرات) علم
به نقل مجله بخارا، شماره ۶۶

بحرین که در طول تاریخ چند هزار ساله «ایالت میش هیگ» ساسانی و سرزمینی ایرانی بوده و مردم آن ایرانی تبار و از مردمان دشتستان و خوزستان و لارستان و بوشهر و

هرمزگان‌اند و هشتاد درصد آنها شیعه اثنی عشری و با زبان فارسی صحبت می‌کنند و دل به ایران بسته‌اند و چشم به سرزمین مادریوم کهن خود ایران دارند و تا سال‌های اخیر پیش از انقلاب اسلامی استان چهاردهم کشور نامیده می‌شد و آمد و رفت بدان دیار و از آن دیار به ایران به رواید و گذرنامه احتیاج نداشت و تمبر پست بدان ناحیه و از آن ناحیه به داخله کشور ایران همان بهاء تمبر داخله ایران داشت. اکنون بر اثر این گناه نابخشودنی کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد و گشاینده پای امریکاییان و انگلیسیان در کمینگاه استراتژیکی علیه ایران مظلوم شده است. بهتر است چند سطری از کتب چاپ شده در این باب بخوانیم و سپس به شرح اختصاری کتاب: گناه نابخشودنی، جدائی بحرین از ایران بپردازیم. فاعتبروا یا اولی الابصار.

(از کتاب کاروان عمر، خاطرات سیاسی فرهنگی هفتاد سال عمر احمد اقتداری، چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۲ تهران):

«قضیه بحرین: تا این اواخر بحرین سالیان دراز جزئی از ایران تلقی می‌گردید. به روزگاری نام آن را در مجلس شورای ملی ایران استان چهاردهم ایران گذاشتند. معمولاً ورود و خروج ایرانیان بدانجا و اتباع بحرین به ایران احتیاجی به گذرنامه نداشت و ویزا نمی‌خواست. بهاء تمبر پست از ایران به بحرین بمانند بهاء تمبر پست برای پاکت‌های داخلی بود. زمان خروج انگلیس از شرق کانال سوئز و خلیج فارس فرارسید. سر ویلیام لورس مأمور عالی‌رتبه وزارت امور خارجه انگلیس چندین بار به ایران سفر کرد. بالاخره ایران با برگزاری زفراندومی از طرف سازمان ملل در بحرین موافقت کرد و این موضوع را پادشاه ایران در فرودگاه دهلی در سفری که به هندوستان رفته بود اعلام داشت. سازمان ملل سه سؤال طرح کرده بود، رأی به باقی ماندن جزء سرزمین ایران - رأی به باقی ماندن در تحت‌الحمایگی انگلیس - رأی به استقلال بحرین. از پیش نتیجه فراندم معلوم بود. مردی گیجیاری نام از طرف سازمان ملل به بحرین رفت و علی‌الظاهر همه‌پرسی به عمل آمد (مسلماً کاملاً صوری و ظاهری و ساختگی) و نتیجه اعلام شد که مردم جزائر بحرین خواستار استقلال و جدائی بحرین از ایران و انگلستان می‌باشند. کیست که نداند که انگلستان از آنجای نخواهد رفت و نرفته است و بحرین و حکومت عرب بحرین همواره دست‌نشانده انگلستان بوده و خواهد بود. عربستان و شیخ‌نشین‌ها هم با این طرح موافق بودند. ظاهراً پادشاه ایران هم در معادلات سیاسی برای حفظ امنیت کشور و خلیج فارس در برابر تجاوز احتمالی عراق ناچار بود. سه جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی در خلیج فارس به وسیله ارتش ایران بازپس گرفته شدند. مسلم شد که

باید ایران چشم از بحرین بپوشد. در یکی از شب‌ها نخست‌وزیر مرا به نخست‌وزیری خواند رفتم. کمیسیون مرکب از عده‌ای وزیر و رئیس سازمان امنیت و اطلاعات که معاون نخست‌وزیر بود تشکیل شد. موضوع قبول ایران آن رفرا ندیم ساختگی مطرح بود که فردا به مجلس فرستاده می‌شد. همه حرف‌هایشان را زدند و نوشتند. نخست‌وزیر [امیرعباس هویدا] گفت حالا باید دید فلانی چه می‌گوید که متخصص این مسائل و بررسی اوضاع خلیج فارس است. قلم به من دادند. ساعتی نوشتم و مخالفت خود را اظهار داشتم و نوشتم که من قابل نیستم ولی استدعا دارم جناب نخست‌وزیر به عرض اعلیحضرت برسانند که: "آنچه را که مرحوم احمدشاه با همه ضعفش و مرحوم پدرتان رضاشاه با همه قدرتش اجازه ندادند، شما هم اجازه ندهید که بحرین از ایران جدا شود. بحرین جزئی از آب و خاک لاینفک ایران است و هر کس از ایران جدا کند مورد قبول ایرانی نیست و آن را خیانت به موارث ملی ایرانیان می‌داند و امضاء کردم. فردا به وزارت خارجه رفتم چون وزیر خارجه در جلسه حضور نداشته و من باخبر شده بودم که آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه آن روزگار ایران قضیه بحرین و رفرا ندیم آن را در مجلس مطرح خواهد ساخت. یادداشتی نوشتم و آقای وزیر را از این کار برحذر داشتم و به اطاق ایشان فرستادم. مرا به حضور پذیرفت اما کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل و جزائر خلیج فارس و دریای عمان - تألیف احمد اقتداری، نشریه انجمن آثار ملی را با تشکر پذیرفته بود.

همان روز یا فردا وزیر خارجه به مجلس شورای ملی رفت و گزارش کار را به اطلاع مجلس رسانید و مجلسی که بحرین را استان چهاردهم ایران می‌دانست قبول کرد و پذیرفت که بحرین مستقل گردد و از ایران جدا شود. گویا تنها روزنامه خاک و خون به مدیریت آقای پزشکپور وکیل دادگستری بود که مخالفت کرد و مقاله‌ای تند و مخالف نوشت اما کار از کار گذشته بود. نخست‌وزیر می‌گفت وقتی گزارش کمیسیون آن شب را به اطلاع اعلیحضرت رسانیدم و نوشته‌ی تو را در ذیل صورت‌مجلس خواندم شاه سری تکان داد و گفت حق با فلانی است و ای کاش من این گزارش و استدلال‌های فلانی را زودتر دیده بودم. ولی دیگر آب از سبوریخته شده بود و آب رفته به جوی باز نیامد. شیخ عیسی حاکم عرب بحرین را به ایران دعوت کردند و نخست‌وزیر مملکت از او استقبال رسمی کرد. بحرین مستقل شد و به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و جزء دول متحابه ایران شد.

من در کتابی که در زیر چاپ دارم به نام تاریخ مسقط و عمان و بحرین و قطر و روابط

آنها با ایران، در آنجا مخالفت خود را و غیرقانونی بودن این رفتارندم را و اشتباه نابخشودنی شاه ایران و دولت ایران و مجلس ایران را بازگفته‌ام آن کتاب را بخوانید و بیندیشید که سعدی فرمود:

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

دولت عراق از بازپس گرفتن جزائر تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی به سازمان ملل شکایت کرد و جنجالی به راه انداخت. اما سازمان ملل با توجه به نقشه‌های بین‌المللی و سوابق امر قضیه را مسکوت اعلام کرد. اعراب دیگر نقاط سواحل خلیج فارس هم ریش جنبانیدند، گاه دوست و گاه دشمن ایران شدند و دیدیم که در جنگ عراق متجاوز علیه ایران در مدت هشت سال چه فتنه‌ها که برپیانگیختند و چه کمک‌ها که به عراق ستمکار نکردند.

باز هم بگویم و بنویسم، ای ایرانی اندیشمند، بیندیش و بدان که هرگز عرب غم تو را ندارد و هرگز تو از دشمنی عرب در امان نخواهی بود. که خدای فرمود فاعتبروا یا اولی الابصار: عبرت بگیرید ای دارندگان چشم‌های روشن و تیزنگر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عمر نوشته احمد اقتداری). (صفحات ۱۷۳-۱۷۱ کتاب کاروان

از مجله بخارا - شماره ۶۶ مرداد - شهریور ۱۳۸۷ چاپ تهران، سخنرانی: خلیج فارس، گذشته، اکنون و آینده:

«... شما از مسائل بحرین و مشاجره یکصد و اند ساله ایران و انگلستان در باب بحرین اطلاع دارید و شاید مکاتبات مرحوم حسین علاء با سر آرنولد و ویلسون نماینده مجلس عوام انگلیس و نویسنده کتاب The Persian Gulf در باب بحرین آگاه باشید که سرانجام با یک رفتارندم ساختگی و کاملاً صوری و دروغ که مردی از سازمان ملل به نام گیجیاردی که گویا ایتالیایی بود مدعی شد که در بحرین رفتارندمی از جانب سازمان ملل



● احمد اقتداری (عکس از حمید جانی پور)

برگزار کرده است و مردم بحرین رأی داده‌اند که می‌خواهند مستقل باشند و جزء ایران نباشند. محمدرضا شاه پهلوی در فرودگاه دهلی بر این رفتارندم و نتایج ادعایی گنجیاردی صحه تصدیق گذاشت. بحرین از ایران جدا شد و جزء ممالک متحابه درآمد و عضو سازمان ملل شد. من در همان روزگار در نوشته‌هایم و کتابهایم این اقدام را گناه نابخشودنی شاه ایران و مجلس ایران نامیدم و تا آخر عمر همین عقیده را دارم. به یاد می‌آورم فردای آن روز به دفتر وزیر خارجه وقت آقای اردشیر زاهدی رفتم و کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل و جزائر خلیج فارس و دریای عمان نشریه انجمن آثار ملی را برای تقدیم به ایشان و کسب رخصت ملاقات با خود بردم. رئیس دفتر ایشان کتاب را به ایشان رسانید اما ایشان از ملاقات با من خودداری کرد و همان روز یا فردای آن روز به مجلس شورای ملی رفت و بحرین را با رفتارندم گنجیاردی از ایران جدا شده اعلام نمود. و در واقع پس از یکصد و اندی سال ایران را شکست خورده در این دعوای موهوم اعلام کرد.

آیا شاه ایران، وزیر خارجه ایران، رئیس سازمان امنیت و اطلاعات ایران و رجال آن روز ایران نمی‌دانستند که بحرین جزء لاینفک آب و خاک مرز و بوم ایران است و مردم بحرین شیعه اثنی عشری و هشتاد درصد ساکنین بحرین ایرانی و ایرانی تبار و از مردمان

دشتستان، تنگستان، خوزستان و لارستان و بلوچستان ایرانند؟ حتماً می دانستند، اما در کف شیر نر خونخواره‌ای غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ای؟

سیاست‌های مخرب و مرموز داخلی و فتنه‌انگیزی‌های احزاب آشکار و پنهان داخل ایران و رجال سیاسی ایران و دولت ام‌الحیل نابکاری حامی اعراب سواحل جنوبی خلیج فارس یعنی انگلستان، از قدیم و ندیم برای رقابت با روسیه تزاری و روسیه شوروی و حفظ مرزهای حریم هندوستان نقشه‌ها می کشیدند و رجال سیاسی ایران را هم می فریفتند و آنها را مجذوب و محدود می ساختند و بدون اراده ملی و شخصیت محکم ملی و سیاسی می کردند. البته نمی توان گفت همه رجال سیاسی ایران نمی دانستند یا دانسته خیانت می کردند. اما نمی دانستند که در چه مفاک و وحشتناکی فرو غلطیده‌اند. روسیه هم در این قمار سیاسی با حریف خود همدست می شد:

«چون صلح شود میان گربه و موش - ویران گردد دکان بقال»

پس از این مقدمه مولمه به معرفی کتاب: گناه نابخشدنی، جدائی بحرین از ایران بپردازیم.

پیشینه فرهنگ و مدنیت سیاست و حکومت در بحرین

در تشکیلات اداری دوره ساسانی این ناحیه را به چند ولایت تقسیم کرده بودند که به نام‌های هگزنا هجر و بنیاد اردشیر یا خیت (خط)، میش ماهیگ یا اوآل یا جزیره بحرین امروز (منامه) و محرک (محرق) خوانده می شدند و هر یک از آنها به طور مستقیم با تشکیلات مرکزی جنوب غربی ایران یعنی تیسفون ارتباط داشته‌اند (محیط طباطبایی جلد اول سمینار خلیج فارس ص ۸۵).

سرزمین بحرین یا بحرین مطلق، سرزمین پهناوری است که در کرانه غربی خلیج فارس از خور کویت تا خلیج کاظمه تا شبه جزیره قطر در جنوب شرقی جزیره بحرین گسترده است و از طرف شرق تنها دریا آن را محدود می کند ولی از سمت شمال و مغرب و جنوب به صحراهای بی آب و علف و زیگزار می پیوندد که از هر سو این ناحیه را از نواحی آباد مجاور آن جدا می سازد.

سرزمین بحرینی که از صدر اسلام به بعد در مدارک و مراجع مختلف ادبی و تاریخی و مسالک و ممالک و کتاب‌های فتوح ذکر شده همین سرزمین بحرین امروزی است و یا بحرین قدیم‌تر از زمان ما است (بحرین بڑی و بحری) که از طرف شمال و از طرف مغرب به یمامه و از طرف جنوب به ربع الخالی و یمن و عمان و کرانه‌های دریای احمر

مرتبط بوده است.

حوزه دریایی بحرین ایالت میش ماهیگ ساسانی بوده است که از دهانه رود فرات و نواحی بصره (سومر قدیم) آغاز می شده و تمامی کرانه های شمالی شبه جزیره عربستان را دربر می گرفته است و نواحی (قطیف) و (خور) و (خبر) و هفوف (در عربستان سعودی امروزه) و جزایر پراکنده شبه جزیره قطر و تمامی عمانات و ابوظبی و دویی و شارجه و فجیره و ام القوین و عجمان و رأس الخیمه و آبها و سواحل و بیابانهای آن نواحی تا عمان و مسقط و یمن در این ایالت قرار داشته اند. و به همین مناسبت در برخی از متون دوره اسلامی از این ناحیه وسیع گاه با نام یمنستان یاد شده است و به خصوص در دوره ساسانی (انوشیروان به بعد) تمامی نواحی آن در زیر تسلط سیاسی و مدنی و حکومتی دولت ساسانی بوده است.

برای احتراز از تفصیل بهتر است عناوین مقالات کتاب را بخوانیم و خود بدانچه در متن مقولات مکتوب در این کتاب است آگاهی یابیم که خیر الکلام ما قل و دل: عناوین کتاب از این قرارند:

پیشینه فرهنگ و مدنیت و سیاست و حکومت در بحرین - بحرین ایالت میش ماهیگ دوران ساسانی بوده است - نژاد باستانی کرانه های جنوبی خلیج فارس - گورهای باستانی بحرین نظیر گورهای سنگی خارک و بوشهر و سیراف و دیگر نقاط - بحرین در دوره هخامنشی - بحرین اشکانی - ریشه شناسی دیلمون، دیلم، دیل، دیله، دیاله - مزون ساسانی نام نواحی عمان و شمال شبه جزیره قطر و بحرین بوده است - کلمات مسقط، عمان، رأس موسندام ریشه در زبان فارسی دارد - بیشتر مردم بحرین در زمان حضرت رسول (ص) زرتشتی بودند و چون دعوت به مسلمانی آمدند گزیت، یعنی جزیره پرداختند - شورش های مردم بحرین مظهر آرزوهای قلبی و عقده های نهفته روحی آنها در سده های اول و دوم و سوم و چهارم هجری بود - کوشش های خلفای اموی و عباسی برای درهم شکستن روح مقاومت مردم سرزمین بحرین هرگز به نتیجه نرسید - بحرین بر ضد عباسیان با نهضت ابوسعید جنابی از مردم بندر گناوه در شهر هجر - حکومت اسلامی خسروانی بوسعیدی در سرزمین بحرین - روحیه سماحت و بی طرفی و آزادی مذهب در حکومت بوسعیدی خسروانی بحرین - بوسعیدی در بحرین نخستین حکومت اشتراکی (کمونیستی) در سرزمین بحرین - کشمکش امراء جزیره کیش، امراء عیونی با امراء هرموز - در سال ۶۲۲ هجری همه مردم بحرین پیرو مذهب شیعه دوازده امامی بوده اند - حکومت خاندان بنی قیصر (بنوقیصر) پس از یکصد و بیست سال

سیادت بر دریای پارس و عمان تا سواحل هندوستان و زنگبار در افریقا در روز دوازده جمادالاولی سال ۶۲۶ هجری قمری پایان یافت - تصرف بحرین بدست ابوبکر سعد زنگی اتابک فارس - جرونی ها و نفوذ جدید در خلیج فارس و اقیانوس هند - کوچ های فارسی در سواحل اقیانوس هند - در بحرین مذهب مالکی در قضاوت جای مذهب شیعه را با مساعدت پسر توران شاه هرموزی گرفت و عمان به حکومت کرمان و کیش و هرموز و بحرین به حکومت فارس پیوست - پرتغالی ها در خلیج فارس و کشمکش ایران و عثمانی در سرزمین بین النهرین به پرتغال مجال آن را داد که جای پای خود را در خلیج فارس و بحرین محکم کند - پیوستن جزیره بحرین به ایران - نگاهی به اعماق تاریخ و فرهنگ و مدنیت بحرین - آثار باستانی در جزیره بحرین - کشفیات باستان شناسی در جزیره منامه بحرین - فرهنگ و مدنیت و تاریخ و سیاست و حکومت بحرین در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی - مقرر نیمروز اسپهبد در بحرین بوده است - روابط تاریخی ایرانیان و اعراب - مسافت بحرین در مروج الذهب مسعودی - سرزمین بحرین از نظر بلاذری در فتوح البلدان - نامه حضرت پیغمبر (ص) برای (سی بیخت) مرزبان هگر (هجرت) - مردمان بحرین در زمان پیامبر (ص) زرتشتی بودند - داد فروز مرزبان زاره معروف به المکمبر در جنگ با براء بن مالک سردار اسلام کشته شد - زاره در بحرین شهری ایرانی بود - براء بن مالک چون مرزبان زاره را کشت، دست های او را برید تا دستبند او را در آورد - دژ المشقر پادگان نظامی و کاخی برای زیستگاه مرزبان ایرانی در بحرین بود - نخستین مالی که از قلمرو ایران در زمان حضرت پیامبر (ص) به مدینه رسید از بحرین بود - بحرین حقوق هزار و هفتصد ساله ایران (کتاب مرحوم سعید نفیسی) - قضیه بحرین گناه نابخشودنی پادشاه و دولت و مجلس ایران - اسامی روستاهای بحرین بیشتر فارسی است و اقوام ایرانی تبار شیعه مذهب بیش از نصف جمعیت بحرین است. امید که این کتاب به زودی چاپ شود و پرده از بسیاری رازهای پنهانی و سیاست بازی استعماری دول اروپایی و ضعف و ترس و بی کفایتی ما ایرانیان بردارد چه همه جای ایران سرای ما است. از آقای دهباشی عزیز مدیر مجله بخارا سپاسگزارم که این مقدمه کوتاه و ضروری را برای چاپ پذیرفته و چاپ کرد بلکه با خود آئیم و در پاسداری آب و خاک و وطن مقدس و کهنبار کهنسال خود بکوشیم و چنین بی قید و بی توجه به مصالح ملی خود نباشیم.

ناگفته نگذریم:

پس از کشمکش های بی وقفه بین اعراب وهابی عربستان و اعراب وهابی قطر و

اعراب عتوبی بحرین و مردمان ایرانی تبار شیعه بحرین مانند خواجه معین‌الدین فالی (فال و اسیر و بلوک گله‌دار و الامروشت در شمال بوشهر و جنوب لارستان) به فرمان شاه عباس با فرماندهی الله‌وردی خان امیرالامراء صفوی و پسرش امام قلی خان حاکم کهگیلویه و فارس و لارستان، بحرین از دست اعراب و پرتغالیان خارج شد و حکومت صفوی در آنجا مستقر گردید. اولین حاکم صفوی به روزگار شاه عباس بزرگ سونرک سلطان نام داشت.

نشر چشمه منتشر کرد :

- اسکندر نامه / عبدالکافی بن ابی البرکات / ایرج افشار / ۶۹۲ ص / ۱۰۰۰۰ تومان
- نشان اهل خدا / مهران افشاری / ۱۵۲ ص / ۲۲۰۰ تومان
- ناشناخته ماندگان / پاتریک مدیانو / ناهید فروغان / ۱۲۸ ص / ۲۴۰۰ تومان
- دو قدم این ور خط / احمد پوری / ۲۲۶ ص / ۳۵۰۰ تومان
- سوختن در آب، غرق شدن در آتش / چارلز یوکفسکی / پیمان خاکسار / ۱۸۸ ص / ۳۵۰۰ تومان
- جادوهای دانستان / حسین سنایور / ۱۲۲ ص / ۲۳۰۰ تومان
- ویتگنشتاین و روان‌کاوی / جان ام هیتون / هاشم بناپور / ۶۲ ص / ۱۲۰۰ تومان
- ایدئولوژی و سنز و برگ ایدئولوژیک دولت / لویی آلتوسر / روزبه صدرآرا / ۸۷ ص / ۱۸۰۰ تومان

نشر چشمه - خیابان کریمخان زند - نبش میرزای شیرازی - شماره ۱۶۱

تلفن : ۸۸۹۰۷۷۶۶